

طراحی الگوی یکپارچه عوامل موثر بر تجردخواهی در ایران با استفاده از نظریه داده بنیاد

چکیده

تجردخواهی از جمله پدیده های متأثر از جوامع صنعتی و فراصنعتی است؛ که، روز به روز در حال گسترش است. از این رو، هدف اصلی این پژوهش ارائه الگوی عوامل موثر بر تجردخواهی با رویکرد داده بنیاد است. برای اجرای مطالعه حاضر نظریه داده بنیاد به کار گرفته شد. در این پژوهش از طرح نظام مند استفاده شد. در این راستا بعد از مصاحبه با ۱۸ نفر از صاحب نظران دانشگاه کاشان، که بصورت تصادفی ساده انتخاب شده بودند؛ اشباع نظری حاصل شد. بر اساس یافته های پژوهش، مقوله محوری تجردخواهی و تجرد قطعی است. شرایط علی شامل فردگرایی، ایده آل گرایی، شیوع تجرد، ترس از شکست در ازدواج، اهمیت خصوصیات ظاهری و مادیات، تجربه احساسی منفی، ترس از تشکیل خانواده، مشکلات خانواده، نبود بستر مناسب برای ارتباط، الزامی نبودن ازدواج، تغییر دیدگاه خانواده و جامعه، هزینه و عدم آمادگی؛ شرایط مداخله گر نیز دارای ابعاد تجمل گرایی، تاثیر فضای مجازی، آداب و رسوم غلط، مهاجرت، ابهام در ملاک های انتخاب همسر، روابط خارج از ازدواج، و مخالفت خانواده؛ شرایط زمینه ای شامل عوامل اقتصادی، تحصیلات، سن، و وضعیت اشتغال؛ و راهبردها نیز شامل تسهیل ازدواج، حمایت دولت، مراکز مشاوره، و خانواده ها در رفع موانع؛ و عواقب و پیامدها شامل انزوا، مشکلات جسمی و جنسی، فرصتی برای ارتقاء جایگاه فردی و اجتماعی، احساس آرامش و استقلال است.

کلیدواژه: تجردخواهی، نظریه داده بنیاد، مجردزیستی، مدیریت تجردخواهی

مقدمه و بیان مسئله

ازدواج، پیمان مقدسی است؛ که، در میان تمام اقوام و ملل در زمان ها و مکان های مختلف وجود داشته است. ازدواج سرآغاز تشکیل خانواده؛ خانواده از قدیمی ترین نهاد های اجتماعی است. ازدواج، امری اجتماعی، زیستی، و فرهنگی متأثر از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است؛ و در تامین نیازهای انسان نقش اساسی دارد. سیر تحولات جوامع نشان می دهد ازدواج و خانواده به عنوان نهادهای اجتماعی، از تغییرات جهانی اثر پذیرفته؛ و ساختی نوین پیدا کرده اند؛ به گونه ای که، در جامعه ایرانی چهار خصوصیت عمده ازدواج شامل عمومیت ازدواج، پیش رسی ازدواج، ازدواج با خویشاوندان و ازدواج چندزنی بروز و ظهور یافته است (خلیلی، ۱۴۰۰؛ کلاته ساداتی و دیگران، ۱۳۹۸). این تغییرات نیز در گذر زمان همگام با تحولات ساختاری و دگرگونی های عصر مدرنیته، دستخوش تغییر شده است. بر این اساس، تحول روابط اجتماعی عصر مدرن، شکل های جدیدی از واگذاری زندگی فردی بر دوش جوانان را پدید آورده؛ و موجب رنگ باختن زندگی اجتماعی و جمعی آنان شده است. امروزه، با رشد خصوصی شدن و ایده آلیسم منافع فردی، مجردزیستی نوعی شیفتگی برای تجربه زندگی جدید به شمار می رود. مجردزیستی پدیده ای نو و شکل جدیدی از زندگی اجتماعی است؛ که، در زمره تعریف مسائل اجتماعی قرار می گیرد. بدین ترتیب، تغییرات ساختار خانواده و ازدواج در انطباق با تغییرات شرایط اقتصادی اجتماعی صورت گرفته است. ایران نیز با ورود مدرنیزاسیون و تغییرات اجتماعی، فرهنگی، و تغییر نگرش ها و ارزش ها، تمایل به تجردخواهی روبرو شده؛ و تأثیرات مختلفی در جامعه به جا گذاشته است. این تأثیرات بعضاً مانند افزایش تحصیلات، اشتغال، ایجاد درآمد، و ارتقای هویت اجتماعی مثبت؛ و گاهی هم مانند شروع فعالیت جنسی خارج از ازدواج و رفتارهای پرخطر منفی بوده است (شهانواز و اعظم آزاده، ۱۳۹۷؛ کلاته ساداتی و دیگران، ۱۳۹۸). در هر صورت، در جامعه ایرانی با توجه به ساختار فرهنگی و اهمیت ازدواج از نظر دین اسلام، تاخیر یا عدم ازدواج پیامدهای فردی و اجتماعی زیادی مانند اختلالات روحی و جسمی، هراس از آینده، تضاد هویت سنتی و مدرن، طرد اجتماعی، و داغ خوردگی را به همراه داشته است (شهانواز و اعظم آزاده، ۱۳۹۷، ص ۴۵ و ۴۶). بر همین اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه الگوی عوامل موثر بر تجردخواهی با رویکرد داده بنیاد است. شناسایی زمینه ها و راهبرد های اصلی و عوامل مداخله گر موثر بر تجردخواهی در ایران از اهداف فرعی این پژوهش است.

مبانی و رویکردهای نظری

تجردگرایی یا تجردخواهی مفاهیمی است گسترده با ابعاد متفاوت. در دهه های اخیر رویکردها و دیدگاه های متعددی از سوی دانشمندان درباره این مفاهیم مطرح شده؛ به گونه ای که تنوع وسیع نظریه ها در سه بعد خرد، میانه و کلان قابل مشاهده است. در این خصوص، محققان، رویکردهای ۱. روان شناختی، ۲.

سیاسی-اقتصادی، ۳. و جامعه‌شناسی را برای تحلیل عوامل موثر بر تجردخواهی، شناسایی زمینه‌ها و راهبرد های اصلی و عوامل مداخله‌گر موثر بر تجردخواهی در ایران ارائه داده‌اند؛ که در قالب نظریات گزینش عقلانی، گذار جمعیت شناختی، تورم رکودی، نوگرایی و اعتمادیابی، مدرنیزاسیون، پیربورديو، مرتن، و داغ ننگ گافمن مطرح است. هرکدام از این نظریات مشخص می‌کند؛ که درباره عوامل موثر بر تجردخواهی تأکید اصلی بر چه عواملی است.

نظریه گزینش عقلانی: نظریه گزینش عقلانی سعی دارد با تکیه بر مدل های اقتصادی خرد، به تبیین دلایل تعویق و تأخیر ازدواج در بین مردان و به خصوص زنان بپردازد. براساس این نظریه، انسان موجود عاقلی است؛ که، مدام در حال برآورد سود و هزینه است. بر این اساس، افراد آگاهانه و هدفمند در هر شرایطی دنبال بیشینه کردن سود خود هستند. چنانچه سود عملی بیشتر از هزینه آن باشد، به انجام آن تمایل می‌یابند؛ و چنانچه هزینه آن بیشتر از سود آن باشد، از انجام آن سر می‌زنند. بدین ترتیب، بر اساس این نظریه، در زمینه ازدواج، اگر افراد احساس کنند که با ازدواج منفعتی نمی‌یابند، تمایلی بدان نخواهند داشت. ذیل این نظریه، نحله های گوناگونی وجود دارد؛ اما آنچه بین آنها مشترک است، مفاهیم هزینه، فایده، دستاورد و نظایر آن است. مهم ترین نظریه های اقتصادی که علل افزایش سن ازدواج را تبیین کرده اند، شامل نظریه هزینه - فرصت (چه به دست می‌آورد و چه از دست می‌دهد)، نظریه بیشینه سازی سود (رفتار کسب حداکثر سود)، فرضیه جذابیت (میزان جذابیت اقتصادی - اجتماعی ازدواج)، و انگاره اروپایی ازدواج (تأخیر ازدواج تا کسب امکانات مطلوب مادی)، است (شکوری و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۹ و ۱۰).

نظریه گذار جمعیت شناختی: نظریه گذار جمعیت شناختی ناظر بر تغییراتی است که در سطح ازدواج و باروری رخ می‌دهد. کاهش میزان ازدواج، افزایش در سن اولین ازدواج، افزایش همخانگی‌ها، افزایش طلاق و کاهش ازدواج مجدد از تغییراتیست که رخ می‌دهد. جمعیت شناسان اعتقاد دارند افزایش استقلال فردی، ضعف یکپارچگی اجتماعی، انقلاب جنسی و نقش های جنسیتی برابری طلب، افول اقتدار مردان، رها سازی، و استقلال اقتصادی زنان در حال وقوع است (رهبر، ۱۳۹۳، ص ۳۳). سکولاریسم، جنبش های رهایی بخش، گسترش ارزش های فرامادی، تردید نسبت به عملکرد نهادها، و نگرانی درباره دخالت افراد بیرونی در زندگی شخصی در زمره جنبه های تحول در ارزش هاست؛ که، باعث شده؛ فرد آزادانه برای زندگی اش تصمیم گیری کند (سرایبی و اوجاقلو، ۱۳۹۲، ص ۸).

نظریه تورم رکودی: این نظریه، علل تأخیر در سن ازدواج را از زاویه اقتصادی می‌نگرد و معتقد است ازدواج در دوران رونق اقتصادی، بیشتر؛ و در دوره رکود اقتصادی، کمتر صورت می‌گیرد. بدین صورت که، افزایش بیکاری، تورم، اجاره یا خرید مسکن، و هزینه های ازدواج، فرد را مجاب می‌کند؛ که، هنوز وقت تشکیل خانواده نیست. بحران های سیاسی و اقتصادی و شاخص های تورم رکودی مانند حجم

نقدینگی، تورم، رکود، کاهش حجم تولید، بیکاری، مصرف گرایی و افزایش انتظارات اثرات منفی بر ازدواج جوانان گذاشته؛ و موانع و مشکلاتی را بر سر راه ازدواج جوانان قرار داده است (مجدالدین، ۱۳۸۶، ص ۴).

نظریه نوگرایی و اعتمادیابی گیدنز: در این دیدگاه، بی اعتمادی، دورویی در روابط اجتماعی، و گسترش انحرافات اخلاقی در جامعه، به نهاد خانواده نیز تسری یافته؛ و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را متزلزل کرده است (گیدنز، ۱۳۹۹، ص ۱۴۴). اعتیاد، فریبکاری، و تجربیات تلخ از زندگی در کنار توسعه شهرنشینی و افزایش جمعیت، موجب بیگانگی، بی اعتمادی و حداقل دیراعتمادی شده است؛ در حالی که، اعتماد نقطه عطف و حساس مساله ازدواج است. با کاهش اعتماد در جامعه، ریسک ازدواج بیشتر می شود؛ و افراد در این زمینه محتاط تر عمل می کنند (کریمی آکندی، ۱۳۹۰، ص ۱۸، به نقل از صانعی، ۱۳۸۷: ۳).

نظریه مرتن: بر اساس این نظریه، هر گاه وسایل و اهداف در یک گروه اجتماعی و یا ساختار جامعه، هماهنگ باشند؛ آن جامعه دچار مشکل نخواهد شد؛ اما، چنانچه اهداف ارزشی و یا عاطفی باشند؛ ولی وسیله عقلانی باشد، دیگر جامعه متعادل و هماهنگ نخواهد بود (تنهایی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۷۶). این امر درباره تأخیر در سن ازدواج هم مصداق می یابد. در شرایط کنونی ایران که ازدواج هدفی ارزشی، عاطفی و سنتی؛ اما، راه تحقق آن عقلانی است، آشفتگی و بی سامانی رخ داده؛ و آثار زیانباری از جمله افزایش سن ازدواج جوانان را موجب خواهد شد (محمدپور و تقوی، ۱۳۹۲، ص ۴۱).

نظریه مدرنیزاسیون ویلیام گود: این تئوری، دگرگونی نهاد خانواده را متأثر از دگرگونی ساختار جامعه و ایدئولوژیکی می داند. بر اساس این نظریه، با وقوع دگرگونی در ساختار جامعه مانند شهرنشینی و صنعتی شدن، و دگرگونی ایدئولوژیک در کلان، سازمان های خرد مانند خانواده هم مجبورند خود را با این دگرگونی ها انطباق دهند. بنابراین، مدرنیزاسیون با گسترش فرصت تحصیل، تغییر در نیروی کار و فعالیت های شغلی، اشتغال زنان، افزایش انتظارات و شهرنشینی در سطوح فردی و اجتماعی بر پدیده ازدواج اثر می گذارد. به همین دلیل، شهرنشینان در مقایسه با روستائینان به دلیل شیوه های متفاوت زندگی، و کنترل ضعیف اجتماعی، دیرتر ازدواج می کنند (اعزازی، ۱۳۹۹، ص ۱۷).

نظریه پیر بوردیو: بوردیو از خانواده به عنوان مهمترین مکان انباشت و انتقال سرمایه یاد و تأکید می کند تغییر و تفاوت بین نسلی خانواده ها ناشی از رقابت بر سر دستیابی به انواع سرمایه در میدان ها و عرصه های اجتماعی است. جوانان به ویژه زنانی که راه دستیابی به سرمایه فرهنگی و تغییر سلسله مراتب قدرت در خانواده را افزایش آگاهی می دانند؛ برای ارتقا تحصیلات و کسب مدارج علمی تلاش می کنند. این افزایش آگاهی، و تحصیلات بالا، موجب ایجاد تغییرات ارزشی در خانواده ها و بالا رفتن سن ازدواج شده است (سرابی و اوجاقلو، ۱۳۹۲، ص ۲۶).

نظریه داغ ننگ^۱ گافمن: این نظریه با تبیین پیامدهای تجردگرایی توضیح می دهد داغ ننگ، برچسب اجتماعی است؛ که، نگرش فرد به خود را تغییر می دهد؛ و پذیرش اجتماعی فرد را مختل می کند. این شرایط گاهی چنان شدت می یابد؛ که، فرد خود نیز به خود انگ داغ خوردگی می زند (قانع عزآبادی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۰۶). از اینرو، تصور این است؛ که، فرد داغ خورده کامل نیست؛ و انواع تبعیض های علیه اش اعمال می شود؛ به گونه ای که، فرصت های زیستی اش کم می شود. بر اساس این نظریه، که یک ایدئولوژی پست بودن فرد را تلقین می کند (گافمن، ۱۳۹۶، ص ۳۴ و ۳۵)، متاهل ها یا خود مجردها، افراد ازدواج نکرده را ناقص می انگارند؛ تصور این است؛ که، هویت این افراد ناقص است؛ و فقط با ازدواج این نقص برطرف می شود. بنابراین، تجرد عامل داغ خوردگی و جداسازی مجردها از متاهل هاست.

جامعه شناسان با بیان اینکه دگرگونی های جامعه منشا تجردخواهی است معتقدند افزایش سود، کاهش هزینه ها، افزایش جذابیت اقتصادی- اجتماعی ازدواج، تامین امکانات مطلوب مادی، افزایش اشتغال، نظارت بر عملکرد نهادها، جلوگیری از دخالت دیگران در زندگی افراد، کاهش بیکاری، کنترل تورم، تامین مسکن، تامین هزینه های ازدواج، افزایش حجم تولید، عقلانی سازی انتظارات و توانایی ها، تعمیق اعتماد در روابط اجتماعی، کنترل انحرافات اخلاقی، هماهنگ سازی وسایل و اهداف گروه اجتماعی با ساختار جامعه، ایجاد شرایط برابر تحصیلی در دوران مجردی و متاهلی، ایجاد فرصت های مطلوب شغلی، اشتغال زنان، متوازی سازی سلسله مراتب قدرت در خانواده، ایجاد فرصت لازم برای کسب مدارج علمی، و افزایش آگاهی از عوامل موثر بر تمایل به تجردخواهی است.

پیشینه پژوهش: میزان جمعیت بالای جوانان کشور و همچنین تجردخواهی، اهمیت و لزوم بررسی مسئله تجرد را عیان ساخته است؛ به گونه ای که، در این زمینه تحقیقات و مطالعاتی اجرا شده است. در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود.

پیشینه داخلی

هزارجریبی و آستین (۱۳۸۸)، به این نتیجه رسیدند بیکاری، نرخ مشارکت اقتصادی زنان، میزان تحصیلات عالی و میزان باسوادی زنان از مهم ترین عوامل موثر بر تجردخواهی زنان بوده است. حبیب پور گتابی و غفاری (۱۳۹۰)، معتقدند نگرش فرامادی به ازدواج، امکان تحصیلات بالاتر برای دختران و بیشتر بودن فرصت های از دست رفته در صورت ازدواج در مقابل فرصت های کسب شده از طریق آن، از عوامل موثر بر تجردخواهی است. نتایج مطالعه مرادی و صفاریان (۱۳۹۱)، نشان داد بین نگرش افراد به برابری جنسیتی، تحصیلات، سطح انتظارات، میزان سخت گیری والدین و میزان لذت بردن از مجردی ارتباط معناداری

^۱ The Scarlet Letter Theory

وجود دارد. نتایج مطالعه موسائی و فندرسی (۱۳۹۵)، نشان می دهد افزایش سرمایه اقتصادی به ویژه در میان زنان باعث کاهش احتمال ازدواج و افزایش احتمال تجرد می شود. مهدوی و همکاران (۱۳۹۵)، به این نتیجه دست یافتند بین نگرش مادی فرد، نگرش برابری جنسیتی، نگرش خانواده و دوستان فرد به روابط پیش از ازدواج، میزان فردگرایی، تجردخواهی، بی اعتمادی اجتماعی، پایبندی به اعتقادات و ارزش های مذهبی، حضور در فضاهای مجازی، ارتباط با جنس مخالف، کاربرد رسانه های جمعی و تجرد رابطه وجود دارد. نیکخواه و همکاران (۱۳۹۶)، نشان دادند بین هزینه فرصت، کلیشه های نقش جنسیتی و دینداری با نوع نگرش به ازدواج، رابطه معناداری وجود دارد؛ که، بیشترین میزان اثرگذاری در نگرش سنتی به دینداری؛ و کمترین میزان در نگرش مدرن به هزینه فرصت مربوط می شود. باقری و همکاران (۱۳۹۸)، دریافتند فردگرایی، سبک زندگی مدرن و غربی، جمود و وسواس، عوامل اقتصادی و روابط ناپایدار خانوادگی از عوامل موثر بر تجردخواهی است. بر اساس یافته های مطالعه زارع و همکاران (۱۳۹۹)، در پی محبوبیت فردگرایی، جوانان معاصر در به حداکثر رساندن لذت جنسی و مصرف گرایی، اغوا نموده اند.

پیشینه خارجی

اینهورن و اسمیت هفتر (۲۰۲۲)، با تبیین ارتباط جنسیت، تحصیلات و تأخیرهای جهانی در ازدواج و فرزندآوری، انتظار برای یافتن شغل ثابت را علت تجردخواهی جوانان عنوان و تاکید کرده است این انتظار چه ارادی باشد، و چه غیرارادی، موجب شناخت نقش های جدید جنسیتی و خانوادگی می شود. لی، و همکاران (۲۰۲۱)، نشان دادند زنان دارای تحصیلات عالی در مقایسه با زنانی که دارای مدرک دبیرستانی هستند بیشتر ازدواج را به تأخیر می اندازند. مردان تحصیل کرده زودتر از مردانی که تحصیلات کمتری دارند، ازدواج می کنند. دهامیجا و رویچودهوری^۱ (۲۰۲۰)، رابطه اشتغال و تاخیر در سن ازدواج زنان را مورد واکاوی قرار داده و دریافته اند تأخیر ازدواج اثر علی مهمی بر نتایج بازار کار زنان ندارد؛ در حالی که، تاخیر ازدواج با تحصیلات عالی، باروری کمتر و مهریه بیشتر مرتبط است. گیل^۲ (۲۰۱۶)، تغییرات سن ازدواج در بین متولدان سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۹ در اردن را بررسی می کند و نشان می دهد در الگوی ازدواج و گرایش عمومی به تأخیر انداختن آن تفاوت های جنسی آشکاری وجود دارد. به اعتقاد وی، تحصیلات، تغییرات در میزان اشتغال و کیفیت کار از عوامل تجردخواهی مردان و زنان؛ و رکود و بیکاری از عوامل تجردخواهی مردان است. هپین^۳ (۲۰۱۶)، تجردخواهی را ناشی از رشد اقتصادی و تغییر در ارزش های فرهنگی دانسته و اذعان داشته است امروزه ازدواج تا زمانی که افراد تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان برسانند، در شغلی استخدام شوند و به استقلال مالی دست یابند، به تأخیر می افتد. به اعتقاد وی،

۱ Dhamija & Roychowdhury

۲ Gebel

۳. Hippen

وجود شریک جنسی، جنسیت، اشتغال زنان، ساختار خانواده، دسترسی به امکانات آموزشی و نژاد از عناصر تاثیرگذار بر نگرش جوانان به ازدواج و به تاخیر افتادن آن است. مائوبریگادس^۱ (۲۰۱۵)، الگوهای ازدواج در هشت کشور آمریکای لاتین را بررسی کرده و نشان داده است افزایش تحصیلات، ورود به بازار کار، گسترش شهرنشینی، و رشد اقتصادی موجب بالا رفتن سن ازدواج در زنان شده است. نتایج مطالعه جونز^۲ (۲۰۱۲)، نشان داده است فعالیت جنسی خارج از زناشویی، داشتن شریک جنسی، مصرف گرایبی، سکولاریسم، فردگرایی، و افزایش آمار طلاق از عوامل گرایش به مجردی است.

روش شناسی پژوهش

نظریه داده بنیاد، نوعی روش شناسی عمومی برای تدوین نظریه هاست که ابتدا توسط گلاسر^۳ و استراوس^۴ در کتاب کشف نظریه داده بنیاد معرفی شد (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۴۳). این روش از روش های پژوهش کیفی است؛ که به لحاظ نظم و ساختار تحت تأثیر روش های کمی بوده است. بارنی گلیسر از پدیدآورندگان این نظریه از پرورش یافتگان مکتب کمی دانشگاه کلمبیا، این نظر را تایید می کند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ص ۷۳). این نظریه از مهم ترین روش های کیفی نظام مند در مقابل انواع روش های مختلف کمی است (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۴۴، به نقل از چارمز، ۱۹۹۰: ۵۰۹). نظریه داده بنیاد برای تفسیر رفتار فرد و گروه قابل استفاده (Goulding, ۲۰۰۹, p. ۳۹)؛ که، این مسئله استفاده از این راهبرد را در مسئله تصمیم گیری فردی و گروهی را توجیه می کند. نظریه داده بنیاد، طرح های مختلفی دارد که در این پژوهش از طرح نظام مند استفاده شده است. مراحل طرح نظام مند شامل اجرای مصاحبه ها، کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی و ارائه الگو است؛ که، در این پژوهش به کار گرفته شده است. بر این اساس، همان طور که راهبرد داده بنیاد اقتضا می کند، نمونه گیری به صورت نظری انجام شد. نمونه گیری نظری نقطه مقابل نمونه گیری تصادفی است (بازرگان هرنندی، ۱۳۹۹، ص ۹۷). نمونه گیری ها تا زمان رسیدن به مرحله اشباع نظری، مرحله ای که مصاحبه های جدید داده ای را به مقوله های قبلی اضافه نمی کند و روابط میان مقوله ها را تغییر نمی دهد؛ ادامه می یابد (امیدی کیا و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۴۴). در این راستا، بعد از مصاحبه با ۱۸ نفر از صاحب نظران دانشگاه کاشان، که بصورت تصادفی ساده انتخاب شده بودند؛ اشباع نظری به دست آمد. سپس، بعد از هر مصاحبه از طریق کدگذاری باز مفاهیم مرتبط در محتوای مصاحبه استخراج، و به اندوخته مفاهیم مستخرج از مصاحبه های قبل اضافه شد. پس از شانزدهمین مصاحبه، مفهوم جدیدی شناسایی نشد؛ اما، باز هم به منظور اطمینان از اشباع نظری دو مصاحبه دیگر انجام، و سپس، نمونه گیری متوقف شد. در ادامه با طی مراحل کدگذاری محوری و کدگذاری

۱. Maubrigades

۲. Jones

۳. Barney G. Glaser

۴. Anselm Leonard Strauss

انتخابی، مؤلفه‌ها و نهایتاً مؤلفه محوری مشخص و معرفی گردید. زمان مصاحبه‌ها از چهار ساعت تا ۳۰ دقیقه متغیر بود. صوت و متن پیاده شده این مصاحبه‌ها برای استناددهی نزد پژوهشگران موجود است.

یافته‌های تحقیق

داده‌ها از طریق فرایند شناسه‌گذاری و مبتنی بر طرح نظام مند^۱ نظریه داده بنیاد مورد تحلیل قرار گرفت (استراس و کوربین، ۱۳۹۰، ص ۸۷). پژوهشگر همزمان با گردآوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها را نیز شروع کرد. این فرایندی رفت و برگشتی^۲ است (کرسول، ۱۴۰۰، ص ۴۴). نظریه داده بنیاد^۳ برای تحلیل از روش تفصیلی و خاصی استفاده می‌کند؛ که، شامل شناسه‌گذاری باز، محوری و گزینشی برای تدوین طبقات اطلاعاتی (شناسه‌گذاری باز^۴)، ارتباط طبقات (شناسه محوری^۵)، و پیوند طبقات (شناسه‌گذاری گزینشی^۶)، است و در نهایت مجموعه‌ای از گزاره‌های نظری را ارائه می‌کند (کرسول، ۱۴۰۰، ص ۱۹۵).

شناسه‌گذاری محوری

در این مرحله، نظریه پرداز داده بنیاد، یک مقوله مرحله شناسه‌گذاری باز را انتخاب می‌کند؛ و آنرا در مرکز فرایندی که در حال بررسی است (به عنوان پدیده مرکزی^۷) قرار می‌دهد. سپس مقوله‌های دیگر را به آن ربط می‌دهد. در پژوهش حاضر این مقوله شامل (۱) شرایط علی (۲) شرایط مداخله گر (۳) شرایط زمینه ای (۴) راهبردها (۵) پیامدهاست (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ص ۸۳).

(۱) شرایط علی^۸: به شرایطی گفته می‌شود که عامل اصلی به وجودآورنده پدیده مورد مطالعه باشد (محب‌زادگان و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۰).

(۲) شرایط مداخله گر^۹: این شرایط را می‌توان به منزله زمینه ساختاری وسیع تر مربوط به پدیده در نظر گرفت که در جهت آسان سازی یا محدودیت راهبردهای توسعه حرفه ای در زمینه خاص عمل می‌کند (استراس و کوربین، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴).

۱. The Systematic Design

۲. Zigzag

۳. Grounded theory

۴. Open coding

۵. Axial coding

۶. Selective coding

۷. Core category or phenomenon

۸. Causal conditions

۹. Intervening conditions

۳) شرایط زمینه ای^۱: نشان دهنده خصوصیات ویژه ای است که به پدیده ها دلالت می کند. به عبارتی محل حوادث یا وقایع مرتبط با پدیده ها در طول یک بعد است که در آن کنش متقابل برای کنترل، اداره و پاسخ به پدیده صورت می گیرد (بابایی فارسانی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۱۴).

۴) راهبردها^۲: راهبردها با هدف شناخت پدیده مورد مطالعه، برخورد با آن و حساسیت نشان دادن در برابر آن، راه هایی را برای رویارویی با پدیده مورد مطالعه ارائه می کند (محب زادگان و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۳).

۵) پیامدها^۳: پیامدها نتیجه کنش و واکنش شرایطی است که درباره پدیده وجود دارد (محب زادگان و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۳). در این مرحله، پیامدهای مثبت، منفی و یا خنثی راهبردهای انتخاب شده توسط مشارکت کنندگان تبیین می شود (کرسول، ۱۴۰۰، ص ۲۸۸). بر این اساس، در این پژوهش بر اساس تحلیل محتوای مصاحبه های مشخص شده، مقوله محوری، شرایط علی، شرایط مداخله گر، شرایط زمینه ای، راهبردها و پیامدها در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: مقوله ها و شرایط

ردیف	شرایط	مفاهیم
۱	مقوله محوری	عوامل موثر بر تجردخواهی
۲	شرایط علی	فرد محوری، پذیرش اجتماعی افزایش سن ازدواج و تجرد، بی اعتمادی و نگرش منفی به طرف مقابل، اهمیت خصوصیات فیزیکی و ظاهری، تجارب احساسی گذشته، تجربه منفی از زندگی اطرافیان، ایده آل گرایی، علاقه به تنهایی، عدم اعتماد به نفس، هراس از آینده ازدواج، عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده، وابستگی مالی و عاطفی خانواده به فرزندان، نبود بستر مناسب برای ارتباط دو جنس، تغییر نگرش به زندگی، ترجیح عشق به ازدواج، درگیری با مشکلات خانواده، ترس از فریب خوردن و انتخاب اشتباه و شکست، ترس از پذیرش مسئولیت، تغییر سن مناسب ازدواج از نظر جامعه، بی تفاوتی و بی اهمیتی ازدواج، ترس از وقوع طلاق، تجارب احساسی مثبت و تعلق خاطر به آن، تجارب احساسی منفی و ترس از تکرار، ترس از خیانت طرف مقابل، الزامی تلقی نکردن امر ازدواج، ترس از تشکیل خانواده، اولویت خانواده ها برای پیشرفت اجتماعی دختران، کاهش حساسیت خانواده ها نسبت به تجرد دختران، تغییر ملاک های موفقیت و شایستگی در جامعه (اهمیت یافتن تحصیلات و اشتغال)، عدم تشویق خانواده ها به ازدواج فرزندان، سخت گیری در انتخاب، عدم دسترسی به فرد ایده آل و مطلوب، گرایش به معیارهای مادی و ظاهرگرایانه نظیر زیبایی، ثروت، دارایی، طبقه اقتصادی - اجتماعی بالا، کم رنگ شدن ملاک های اخلاقی و معنوی در ازدواج، مسدود بودن راه های صحیح شناخت دو جنس در ساختارهای مدرن امروزی، بیشتر شدن هزینه ازدواج نسبت به پاداش های آن، نداشتن آمادگی ذهنی و فکری برای تقبل نقش های همسری و والدینی، نداشتن وقت کافی برای نقش های غیر از تحصیل، همه گیر شدن تجرد یا ازدواج در سن بالا، در اولویت نداشتن ازدواج و زندگی مشترک در مقابل سایر امور
۳	راهبردها	تبلیغ ازدواج آسان، پایین آوردن سطح توقع جوانان، نقش دولت در فراهم کردن و آسان تر شدن ازدواج، کاهش مداخله بیش از حد خانواده ها در امر ازدواج، نقش مثبت رسانه، دانشگاه و محیط های اجتماعی در آموزش و تشویق به ازدواج، ایجاد انجمن ها و کانون هایی برای تسهیل روابط مجردان، مشروط کردن استخدام رسمی

^۱. Context conditions

^۲. Strategies

^۳. Consequences

		افراد در سازمان های دولتی به ازدواج و تاهل، ترغیب نهادهای خیریه به مشارکت در فرایند تسهیل ازدواج و تامین خدمات و امکانات مورد نیاز در این بخش، تقویت سیستم های مشاوره ای برای ارائه خدمات آموزشی، روانشناختی، فرهنگی و اجتماعی در مراحل اولیه ازدواج و استمرار آن، تقویت نقش حمایتی خانواده ها برای کاهش مشکلات ازدواج، تقویت واسطه های سنتی همسریابی و معرفی افراد به یکدیگر، برنامه ریزی جامع جهت حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی جوانان و رفع موانع ازدواج آنها، ترویج سبک زندگی اسلامی و تلاش در تخفیف تجملات و تشریفات و سهولت هرچه بیشتر در امر ازدواج، نقش راه اندازی مراکز مشاوره با منابع انسانی توانمند در محیط های دانشجویی در تسهیل ازدواج های دانشجویی
۴	شرایط زمینه ای	فقدان درآمد کافی، فقدان شغل با ثبات، اشتغال دختران، بار مالی ازدواج، سن ازدواج، عدم استطاعت مالی، وضعیت مالی نامناسب مردان، تحصیلات دختران، تحصیلات پایین تر پسران نسبت به دختران، شرایط بد اقتصادی خانواده ها، بیکاری و عدم امنیت شغلی
۵	شرایط مداخله گر	چشم و هم چشمی، توقعات بالای خانواده ها، تجمل گرایی و مادی گرایی، تاثیر رسانه و فضای مجازی، آداب و رسوم غلط، رعایت ترتیب سنی در ازدواج، تقدیرگرایی، مهاجرت، مجازی شدن روابط، برطرف کردن نیازهای جنسی از طریق ارتباط مجازی، دیدگاه منفی خانواده به ارتباط با جنس مخالف، تعریف الگوهای جدید از همسر مناسب، دخالت خانواده در انتخاب همسر، مخالفت خانواده با انتخاب فرزندان در ازدواج، چارچوب های خاص معرف همسر خوب، ابهام و سردرگمی در ملاک های انتخاب همسر، تنوع طلبی جنسی و عدم انحصار و تعهد به یک فرد، جستجوی هویت زنانه در خارج از دایره ازدواج، گزینه های جایگزین ازدواج برای پسران
۶	پیامدها	انزوا، تنهایی، حس رها شدگی، پیدایش مشکلات جسمی و روانی، ترس از آینده، محدودیت در ارضای نیازهای جنسی، بی انگیزگی، کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی، فرصتی برای رشد هویت فردی و جایگاه اجتماعی، احساس آرامش و رضایت خاطر، کسب آزادی و استقلال، ادامه تحصیل

در این پژوهش بر اساس تحلیل محتوای مصاحبه های مشخص شده از بین مقوله ها، شرایط علی در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲: تشکیل دهنده بخش شرایط علی

ابعاد	مولفه ها	مفاهیم
فردگرایی	فرد محوری + تمایل به تنهایی	فرد محوری + علاقه به تنهایی
ایده آل گرایی	ایده آل گرایی + سخت گیری در انتخاب	ایده آل گرایی + سخت گیری در انتخاب
شیوع تجرد	پذیرش افزایش سن ازدواج + تغییر سن ازدواج + شیوع تجرد	پذیرش اجتماعی افزایش سن ازدواج و تجرد + تغییر سن مناسب ازدواج از نظر جامعه + همه گیر شدن تجرد یا ازدواج در سن بالا
ترس از شکست در ازدواج	ترس از انتخاب اشتباه + ترس از طلاق + ترس از خیانت + بی اعتمادی	ترس از فریب خوردن و انتخاب اشتباه و شکست + ترس از وقوع طلاق + ترس از خیانت طرف مقابل + بی اعتمادی و نگرش منفی به طرف مقابل
اهمیت خصوصیات ظاهری و مادیات	مهم بودن خصوصیات ظاهری + معیارهای مادی و ظاهری + کم اهمیت شدن معیارهای اخلاقی	اهمیت خصوصیات فیزیکی و ظاهری + گرایش به معیارهای مادی و ظاهرگرایانه نظیر زیبایی، ثروت، دارایی، طبقه اقتصادی - اجتماعی بالا + کم رنگ شدن ملاک های اخلاقی و معنوی در ازدواج
تجربه احساسی منفی	تجارب احساسی مثبت گذشته + تجارب احساسی منفی گذشته + تجربه منفی اطرافیان	تجارب احساسی گذشته + تجارب احساسی مثبت و تعلق خاطر به آن + تجارب احساسی منفی و ترس از تکرار + تجربه منفی از زندگی اطرافیان
ترس از تشکیل خانواده	عدم اعتماد به نفس + ترس از آینده + ترس از پذیرش مسئولیت + ترس از تشکیل خانواده	عدم اعتماد به نفس + هراس از آینده ازدواج + ترس از پذیرش مسئولیت + ترس از تشکیل خانواده

مشکلات خانواده	عدم حمایت خانواده+ وابستگی خانواده به فرزندان+ عدم تشویق خانواده به ازدواج	عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده+ وابستگی مالی و عاطفی خانواده به فرزندان+ درگیری با مشکلات خانواده+ عدم تشویق خانواده ها به ازدواج فرزندان
نیود بستر مناسب برای ارتباط	عدم دسترسی به فرد مطلوب+ نبود راه های مناسب برای ارتباط و شناخت دو جنس	نیود بستر مناسب برای ارتباط دو جنس+ عدم دسترسی به فرد ایده آل و مطلوب+ مسدود بودن راه های صحیح شناخت دو جنس در ساختارهای مدرن امروزی
الزامی نبودن ازدواج	اولویت عشق به ازدواج+ بی اهمیتی ازدواج+ الزامی نبودن ازدواج+ در اولویت نبودن ازدواج	تغییر نگرش به زندگی+ ترجیح عشق به ازدواج+ بی تفاوتی و بی اهمیتی ازدواج+ الزامی تلقی نکردن امر ازدواج+ در اولویت ندانستن ازدواج و زندگی مشترک در مقابل سایر امور
تغییر دیدگاه خانواده و جامعه	اولویت خانواده ها برای پیشرفت دختران+ کاهش حساسیت خانواده ها نسبت به مجرد دختران+ تغییر ملاک های موفقیت و شایستگی در جامعه	اولویت خانواده ها برای پیشرفت اجتماعی دختران+ کاهش حساسیت خانواده ها نسبت به مجرد دختران+ تغییر ملاک های موفقیت و شایستگی در جامعه (اهمیت یافتن تحصیلات و اشتغال)
هزینه و عدم آمادگی	هزینه های ازدواج+ عدم آمادگی ذهنی+ عدم وقت کافی	بیشتر شدن هزینه ازدواج نسبت به پاداش های آن+ نداشتن آمادگی ذهنی و فکری برای تقبل نقش های همسری و والدینی+ نداشتن وقت کافی برای نقش های غیر از تحصیل

در بخش شرایط علی، ۴۰ مفهوم، ۳۶ مولفه و ۱۲ بعد به دست آمده است. اکنون بر اساس تحلیل محتوای مصاحبه های مشخص شده از بین مقوله ها، شرایط مداخله گر در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳: تشکیل دهنده بخش شرایط مداخله گر

ابعاد	مولفه ها	مفاهیم
تجمل گرایی	تجملات+ مادی گرایی+ توقعات بالا	چشم و هم چشمی+ توقعات بالای خانواده ها+ تجمل گرایی و مادی گرایی
تأثیر فضای مجازی	تأثیر رسانه+ مجازی شدن روابط+ تامین نیاز جنسی از طریق ارتباط مجازی	تأثیر رسانه و فضای مجازی+ مجازی شدن روابط+ برطرف کردن نیازهای جنسی از طریق ارتباط مجازی
آداب و رسوم غلط	رسوم غلط+ ترتیب سنی در ازدواج+ تقدیرگرایی	آداب و رسوم غلط+ رعایت ترتیب سنی در ازدواج+ تقدیرگرایی
مهاجرت	مهاجرت	مهاجرت
ابهام در ملاک های انتخاب همسر	الگوهای جدید همسر مناسب+ چارچوب خاص همسر خوب+ ابهام در ملاک های انتخاب همسر	تعریف الگوهای جدید از همسر مناسب+ چارچوب های خاص معرف همسر خوب+ ابهام و سردرگمی در ملاک های انتخاب همسر
روابط خارج از ازدواج	تنوع طلبی+ عدم تعهد به یک نفر+ گزینه های جایگزین ازدواج	تنوع طلبی جنسی و عدم انحصار و تعهد به یک فرد+ جستجوی هویت زنانه در خارج از دایره ازدواج+ گزینه های جایگزین ازدواج برای پسران
مخالفت خانواده	مخالفت خانواده با انتخاب فرزند+ دخالت خانواده+ دیدگاه منفی خانواده به ارتباط با جنس مخالف	مخالفت خانواده با انتخاب فرزندان در ازدواج+ دخالت خانواده در انتخاب همسر+ دیدگاه منفی خانواده به ارتباط با جنس مخالف

در بخش شرایط مداخله گر ۱۹ مفهوم، ۱۹ مولفه و ۷ بعد به دست آمده است. اکنون بر اساس تحلیل محتوای مصاحبه های مشخص شده از بین مقوله ها، شرایط زمینه ای در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴: تشکیل دهنده بخش شرایط زمینه ای

ابعاد	مولفه ها	مفاهیم
شرایط اقتصادی	درآمد ناکافی + وضعیت مالی نامناسب + هزینه های ازدواج	فقدان درآمد کافی + عدم استطاعت مالی + وضعیت مالی نامناسب مردان + شرایط بد اقتصادی خانواده ها + بار مالی ازدواج
بعد تحصیلی و سنی	تحصیلات + سن ازدواج	تحصیلات دختران + تحصیلات پایین تر پسران نسبت به دختران + سن ازدواج
وضعیت اشتغال	بیکاری + نبود شغل باثبات + اشتغال دختران	بیکاری و عدم امنیت شغلی + فقدان شغل باثبات + اشتغال دختران

در بخش شرایط زمینه ای ۱۱ مفهوم، ۸ مولفه و ۳ بعد به دست آمده است. اکنون بر اساس تحلیل محتوای مصاحبه های مشخص شده از بین مقوله ها، راهبردها در جدول ۵ ارائه شده است:

جدول ۵: تشکیل دهنده بخش راهبردها

ابعاد	مولفه ها	مفاهیم
آسان تر کردن ازدواج	سهولت در ازدواج + کاهش سطح توقع + کاهش تجملات و تشریفات	تبلیغ ازدواج آسان + پایین آوردن سطح توقع جوانان + ترویج سبک زندگی اسلامی و تلاش در تخفیف تجملات و تشریفات و سهولت هرچه بیشتر در امر ازدواج
نقش نهادهای دولتی برای رفع موانع ازدواج	نقش دولت + نقش رسانه و محیط های اجتماعی + برنامه ریزی برای حل مشکلات جوانان + نقش نهادهای خیریه + مشروط کردن استخدام به تاهل	نقش دولت در فراهم کردن و آسان تر شدن ازدواج + نقش مثبت رسانه، دانشگاه و محیط های اجتماعی در آموزش و تشویق به ازدواج + برنامه ریزی جامع جهت حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی جوانان و رفع موانع ازدواج آنها + ترغیب نهادهای خیریه به مشارکت در فرایند تسهیل ازدواج و تامین خدمات و امکانات مورد نیاز در این بخش + مشروط کردن استخدام رسمی افراد در سازمان های دولتی به ازدواج و تاهل
نقش مراکز مشاوره	نقش مراکز مشاوره	نقش راه اندازی مراکز مشاوره با منابع انسانی توانمند در محیط های دانشجویی در تسهیل ازدواج های دانشجویی + تقویت سیستم های مشاوره ای برای ارائه خدمات آموزشی، روانشناختی، فرهنگی و اجتماعی در مراحل اولیه ازدواج و استمرار آن
نقش حمایتی خانواده ها	نقش حمایتی خانواده ها	کاهش مداخله بیش از حد خانواده ها در امر ازدواج + تقویت نقش حمایتی خانواده ها برای کاهش مشکلات ازدواج
واسطه های همسریابی و تسهیل روابط	ایجاد انجمن ها برای آسان تر شدن روابط مجردان + تقویت واسطه های همسریابی	ایجاد انجمن ها و کانون هایی برای تسهیل روابط مجردان + تقویت واسطه های سنتی همسریابی و معرفی افراد به یکدیگر

در بخش راهبردها ۱۴ مفهوم، ۱۲ مولفه و ۵ بعد به دست آمده است. اکنون بر اساس تحلیل محتوای مصاحبه های مشخص شده از بین مقوله ها، پیامدها در جدول ۶ ارائه شده است:

جدول ۶: تشکیل دهنده بخش نتایج و پیامدها

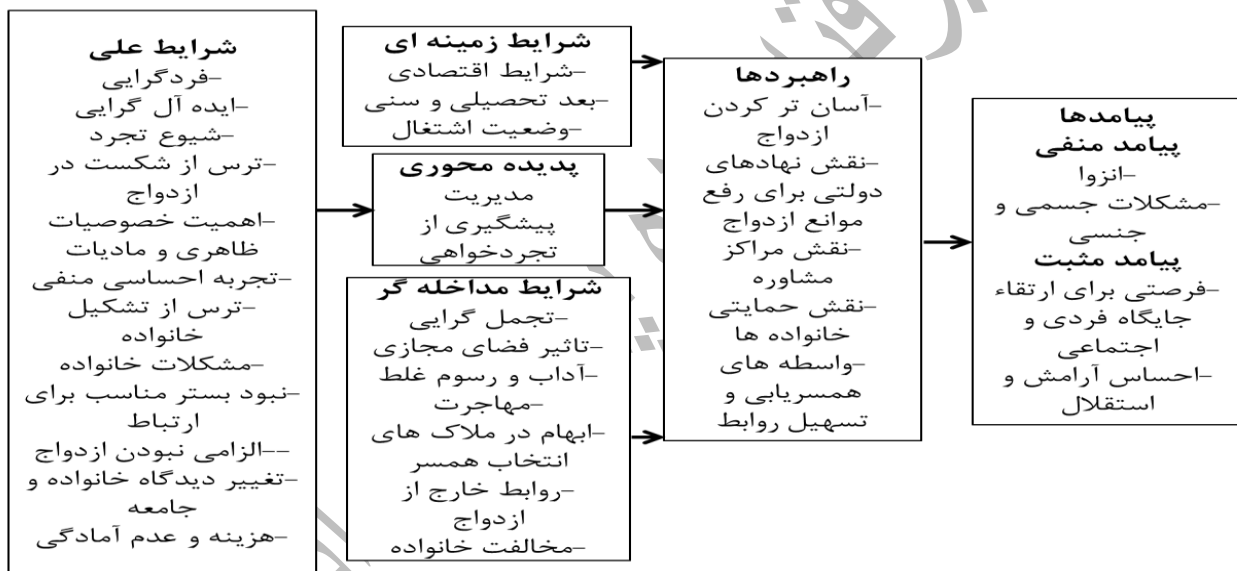
ابعاد	مولفه ها	مفاهیم
انزوا	تنهایی + بی انگیزگی + کاهش اعتماد اجتماعی + ترس از آینده	انزوا + تنهایی + حس رها شدگی + بی انگیزگی + کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی + ترس از آینده
مشکلات جسمی و جنسی	مشکلات جسمی و روانی + عدم ارضای نیازهای جنسی	پیدایش مشکلات جسمی و روانی + محدودیت در ارضای نیازهای جنسی
فرصتی برای ارتقاء جایگاه فردی و اجتماعی	رشد هویت فردی و جایگاه اجتماعی + ادامه تحصیل	فرصتی برای رشد هویت فردی و جایگاه اجتماعی + ادامه تحصیل

احساس آرامش و استقلال	احساس آرامش + کسب آزادی	احساس آرامش و رضایت خاطر + کسب آزادی و استقلال
-----------------------	-------------------------	------------------------------------------------

در بخش پیامدها ۱۲ مفهوم، ۱۰ مولفه و ۴ بعد به دست آمده است.

ارائه الگو

بسیاری از صاحب نظران این مرحله را صرفاً دستاورد طبیعی کدگذاری انتخابی معرفی کرده اند؛ اما، تجربه نشان می دهد ماهیت این مرحله از مرحله قبل جداست. الگوسازی، مرحله ای است که به تفکر، ابتکار، خلاقیت و خبرگی نیاز دارد (مهرابی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۲۳). مشابه بخش مؤلفه های زمینه ساز، که فرایند آن تفصیلاً ذکر شد، همان فرایند برای دیگر بخش های الگو نیز اجرا شده است. در این مرحله پژوهشگران پس از مشورت های متعدد با صاحب نظران در فرایندی نسبتاً طولانی به ارائه الگو پرداخته اند. شکل ۱ الگوی برآمده از روش پارادایم داده بنیاد را در تبیین عوامل موثر بر تجردخواهی نشان می دهد. این الگو با بیشتر مصاحبه شونده‌گان به اشتراک گذاشته شده؛ و مطابق نظر آنان، در چندین مرحله مورد اصلاح قرار گرفته است.



شکل ۱: الگوی پارادایمی تجرد قطعی

بحث و نتیجه گیری

ارائه الگوی عوامل موثر بر تجردخواهی با رویکرد داده بنیاد هدف اصلی، و شناسایی زمینه ها و راهبرد های اصلی و عوامل مداخله گر بر تجرد از اهداف فرعی پژوهش حاضر است. شناسه ها (۹۶ مفهوم، ۸۴ مولفه، ۳۱ بعد)، از مصاحبه ها مشخص و در قالب الگوی مفهومی داده بنیاد تدوین شد. بر اساس یافته های پژوهش، مقوله محوری تجرد قطعی متأثر از شرایط متعدد علی، زمینه ای، و مداخله گر است که نیازمند راهبردها متناسب با پیامدهاست. شرایط علی شامل ابعاد فردگرایی، ایده آل گرایی، شیوع تجرد، ترس از

شکست در ازدواج، اهمیت خصوصیات ظاهری و مادیات، تجربه احساسی منفی، ترس از تشکیل خانواده، مشکلات خانواده، نبود بستر مناسب برای ارتباط، الزامی نبودن ازدواج، تغییر دیدگاه خانواده و جامعه، هزینه و عدم آمادگی؛ شرایط مداخله گر دارای ابعاد تجمل گرایی، تاثیر فضای مجازی، آداب و رسوم غلط، مهاجرت، ابهام در ملاک های انتخاب همسر، روابط خارج از ازدواج، و مخالفت خانواده؛ شرایط زمینه ای شامل ابعاد شرایط اقتصادی، تحصیلات، سن، وضعیت اشتغال؛ راهبردها دربرگیرنده ابعاد تسهیل ازدواج، نقش نهادهای دولتی در رفع موانع ازدواج، نقش مراکز مشاوره، نقش حمایتی خانواده ها، واسطه های همسریابی و تسهیل روابط؛ و نتایج و پیامدها نیز شامل انزوا، مشکلات جسمی و جنسی، فرصت ارتقاء جایگاه فردی و اجتماعی، احساس آرامش و استقلال است. مفاهیم استفاده شده در مقوله محوری عوامل موثر بر تجردخواهی در شرایط علی شامل فرد محوری، پذیرش اجتماعی افزایش سن ازدواج و تجرد، بی اعتمادی و نگرش منفی به طرف مقابل، اهمیت خصوصیات فیزیکی و ظاهری، تجارب احساسی گذشته، تجربه منفی از زندگی اطرافیان، ایده آل گرایی، علاقه به تنهایی، عدم اعتماد به نفس، هراس از آینده، عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده، وابستگی مالی و عاطفی خانواده به فرزندان، نبود بستر مناسب برای ارتباط دو جنس، تغییر نگرش به زندگی، ترجیح عشق به ازدواج، درگیری با مشکلات خانواده، ترس از فریب خوردن و انتخاب اشتباه و شکست، ترس از پذیرش مسئولیت، تغییر سن مناسب ازدواج، بی تفاوتی و بی اهمیتی ازدواج، ترس از وقوع طلاق، تجارب احساسی مثبت و تعلق خاطر به آن، تجارب احساسی منفی و ترس از تکرار، ترس از خیانت طرف مقابل، الزامی نبودن ازدواج، ترس از تشکیل خانواده، اولویت خانواده ها برای پیشرفت اجتماعی دختران، کاهش حساسیت خانواده ها نسبت به تجرد دختران، تغییر ملاک های موفقیت و شایستگی در جامعه (اهمیت یافتن تحصیلات و اشتغال)، عدم تشویق خانواده ها به ازدواج فرزندان، سخت گیری در انتخاب، عدم دسترسی به فرد ایده آل و مطلوب، گرایش به معیارهای مادی و ظاهرگرایانه نظیر زیبایی، ثروت، دارایی، طبقه اقتصادی - اجتماعی بالا، کم رنگ شدن ملاک های اخلاقی و معنوی، بسته بودن راه های صحیح شناخت دو جنس در ساختارهای مدرن امروزی، بیشتر شدن هزینه ازدواج نسبت به پاداش های آن، نداشتن آمادگی ذهنی و فکری برای تقبل نقش های همسری و والدینی، نداشتن وقت کافی برای نقش های غیر از تحصیل، همه گیر شدن تجرد یا ازدواج در سن بالا، در اولویت ندانستن ازدواج و زندگی مشترک در مقابل سایر امور است. شرایط مداخله گر هم دربرگیرنده مفاهیمی مانند چشم و هم چشمی، توقعات بالای خانواده ها، تجمل گرایی، مادی گرایی، تاثیر رسانه ها و فضای مجازی، آداب و رسوم غلط، رعایت ترتیب سنی در ازدواج، تقدیرگرایی، مهاجرت، مجازی شدن روابط، برطرف کردن نیازهای جنسی از طریق ارتباط مجازی، دیدگاه منفی خانواده به ارتباط با جنس مخالف، تعریف الگوهای جدید از همسر مناسب، دخالت خانواده در انتخاب همسر، مخالفت خانواده با انتخاب فرزندان در ازدواج، چارچوب های خاص معرف همسر خوب، ابهام و سردرگمی در ملاک های انتخاب

همسر، تنوع طلبی جنسی، عدم انحصار و تعهد به یک فرد، جستجوی هویت زنانه در خارج از دایره ازدواج، و گزینه های جایگزین ازدواج برای پسران است. مفاهیم شرایط زمینه ای مقوله محوری عوامل موثر بر تجردخواهی شامل فقدان درآمد کافی، فقدان شغل با ثبات، اشتغال دختران، بار مالی ازدواج، سن ازدواج، عدم استطاعت مالی، وضعیت نامناسب مالی مردان، تحصیلات دختران، تحصیلات پایین تر پسران نسبت به دختران، شرایط بد اقتصادی خانواده ها، بیکاری و عدم امنیت شغلی است. راهبردهای به دست آمده عبارتند از تبلیغ ازدواج آسان، پایین آوردن سطح توقع جوانان، تقویت نقش دولت در تسهیل ازدواج، کاهش دخالت خانواده ها، تقویت نقش مثبت رسانه ها، دانشگاه و محیط های اجتماعی، ایجاد انجمن ها و کانون هایی برای تسهیل ازدواج، مشروط کردن استخدام جوانان به ازدواج و تاهل، ترغیب نهادهای خیریه به مشارکت فعال تر در فرایند ازدواج، تقویت سیستم های مشاوره ای برای ارائه خدمات آموزشی، روانشناختی، فرهنگی و اجتماعی در مراحل قبل، حین و بعد از ازدواج، تقویت نقش حمایتی خانواده ها برای کاهش مشکلات ازدواج، تقویت واسطه های سنتی همسریابی و معرفی افراد به یکدیگر، برنامه ریزی جامع جهت حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی جوانان و رفع موانع ازدواج آنها، ترویج سبک زندگی اسلامی، تلاش در کاهش تجملات و تشریفات، تقویت نقش مراکز مشاوره در محیط های اجتماعی - دانشجویی برای تسهیل ازدواج. و سرانجام، پیامدهای عوامل موثر بر تجردخواهی شامل انزوا، تنهایی، حس رها شدگی، پیدایش مشکلات جسمی و روانی، ترس از آینده، محدودیت در ارضای نیازهای جنسی، بی انگیزگی، کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی، فرصت رشد هویت فردی، فرصت ارتقا جایگاه اجتماعی، احساس آرامش، رضایت خاطر، کسب آزادی و استقلال، و ادامه تحصیل است.

در تبیین یافته های تحقیق که در بالا ذکر شده است، مدل های اقتصادی تاکید می کنند اگر افراد احساس کنند که با ازدواج منفعتی نمی یابند، تمایلی بدان نخواهند داشت (شکوری و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۹ و ۱۰). جامعه شناسان استقلال فردی، ضعف یکپارچگی اجتماعی، انقلاب جنسی و نقش های جنسیتی برابری طلب، افول اقتدار مردان، رها سازی، و استقلال اقتصادی زنان را از علل تجردخواهی دانسته اند (رهبر، ۱۳۹۳، ص ۳۳). تئوریسین های تورم تاکید کرده اند گرایش به تجرد در دوران رونق اقتصادی، کمتر؛ و در دوره رکود اقتصادی، بیشتر می شود؛ زیرا، افزایش بیکاری، تورم، اجاره یا خرید مسکن، و هزینه های ازدواج، فرد را مجاب می کند؛ که، هنوز وقت تشکیل خانواده نشده است (مجدالدین، ۱۳۸۶، ص ۴). گیدنز (۱۳۹۹، ص ۱۴۴)، بی اعتمادی، و دورویی در روابط اجتماعی، را عامل بی کیفیتی ارتباطات انسانی دانسته و تاکید کرده است دورویی در روابط اجتماعی و فریبکاری موجب بیگانگی، بی اعتمادی و دیراعتمادی شده است (کریمی آکندی، ۱۳۹۰، ص ۱۸، به نقل از صانعی، ۱۳۸۷: ۳؛ گیدنز، ۱۳۹۹، ص ۱۸). مرتن هماهنگی وسایل و اهداف گروه اجتماعی با ساختار جامعه برای تجردخواهی را لازم و ضروری دانسته و تاکید کرده است ناهماهنگی اهداف و وسایل، تعادل جامعه را به هم می زند (تنهایی و دیگران،

۱۳۹۸، ص ۷۶). ویلیام گود(اعزازی، ۱۳۹۹)، دگرگونی نهاد خانواده را متأثر از دگرگونی ساختار جامعه و ایدئولوژیکی عنوان و تصریح کرده است با دگرگونی ساختار جامعه، سازمان های خرد هم مانند خانواده مجبورند خود را با این دگرگونی ها انطباق دهند. پیر بوردیو(سرایبی و اوجاقلو، ۱۳۹۲)، از خانواده به عنوان مهمترین مکان انباشت و انتقال سرمایه یاد و تاکید می کند تغییر و تفاوت بین نسلی خانواده ها ناشی از رقابت بر سر دستیابی به انواع سرمایه در میدان ها و عرصه های اجتماعیست. گافمن(قانع عزآبادی و دیگران، ۱۳۹۲)، با تبیین پیامدهای تجردگرایی توضیح می دهد داغ ننگ، برچسب اجتماعی است؛ که، موجب می شود انواع تبعیض های علیه فرد داغ خورده اعمال می شود؛ به گونه ای که، فرصت های زیستی اش را شدیداً تحت تاثیر قرار می دهد. علاوه بر این، هزارجریبی و آستین(۱۳۸۸)، هم در تائید یافته های تحقیق حاضر بیکاری، نرخ مشارکت اقتصادی زنان، میزان تحصیلات عالی و میزان باسوادی زنان را از مهمترین عوامل موثر بر افزایش سن ازدواج زنان دانسته اند. حبیب پور گتابی و غفاری(۱۳۹۰)، معتقدند نگرش فرامادی به ازدواج، امکان تحصیلات بالاتر و بیشتر بودن فرصت های از دست رفته از عوامل موثر بر تجرد و افزایش سن ازدواج است. نتایج مطالعه موسائی و فندرسی(۱۳۹۵)، نشان می دهد افزایش سرمایه اقتصادی به ویژه در میان زنان باعث کاهش احتمال ازدواج و افزایش احتمال تجرد می شود. مهدوی و همکاران(۱۳۹۵)، به این نتیجه رسیدند بین نگرش مادی فرد، نگرش برابری جنسیتی، نگرش خانواده و دوستان فرد به روابط پیش از ازدواج، میزان فردگرایی، تجددخواهی، بی اعتمادی اجتماعی، پایبندی به اعتقادات و ارزش های مذهبی، حضور در فضاهای مجازی، ارتباط با جنس مخالف، کاربرد رسانه های جمعی و بی رغبتی جوانان به ازدواج رابطه وجود دارد. به هر حال، این الگوی به افراد کمک می کند تا برنامه پیشگیرانه داشته باشند؛ و مساله تجردگرایی را مدیریت کنند.

منابع و ماخذ

- استراس، آنسلم؛ و کوربین، جولیتام. (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه ها و شیوه ها. (بیوک محمدی، مترجم). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۹۹). جامعه شناسی خانواده: با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. روشنگران و مطالعات زنان.
- امیدی کیا، کامران؛ مشبکی، اصغر؛ خدادادحسینی، سیدحمید؛ و عزیزی، شهریار. (۱۳۹۱). شناخت قابلیت های سازمانی جایگاه سازی برند شرکت در صنعت مواد غذایی با استفاده از نظریه داده بنیاد. اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۱(۶)، ۷۲-۳۵.
- بابایی فارسانی، میثم؛ امین دوست، عاطفه؛ و علیدادی، ابوزر. (۱۳۹۷). طراحی الگوی نوآوری باز در شرکت های کوچک و متوسط با استفاده از نظریه داده بنیاد (مورد مطالعه: صنایع غذایی استان چهارمحال و بختیاری). فصلنامه مدیریت دانش سازمانی، ۱(۲)، ۹۵-۱۳۶.
- بازرگان هرنندی، عباس. (۱۳۹۹). مقدمه ای بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. دیدار.

- باقری، شهلا؛ مداحی، جوادی؛ و لطفی خاچکی، طاهره. (۱۳۹۸). برساخت معنایی تاخیر سن ازدواج بر اساس نظریه‌ی زمینه‌ای (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دختر شهر مشهد). *زن در توسعه و سیاست*، ۶۳(۱۷)، ۴۳-۶۹.
- تنهایی، حسین ابوالحسن؛ حسینی فر، مریم‌السادات؛ و سیدپورآذر، سیدعلی. (۱۳۹۸). *جامعه‌شناسی (مبانی، اصول و مفاهیم): با رویکرد جامعه‌شناسی نظری و جامعه‌شناسی تفسیری*. دریایی تنهایی، بهمن برنا.
- حبیب‌پور گنتابی، کرم؛ و غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران. *زن در توسعه و سیاست*، ۹(۱)، ۷-۳۴.
- خلیلی، مهدی. (۱۴۰۰). تحلیل نسلی - مقطعی تغییرات ازدواج زنان ایران با استفاده از جداول عمر زناشویی. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۳۱(۱۶)، ۷-۳۱.
- دانایی فرد، حسن؛ و امامی، سیدمجتبی. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازانی داده بنیاد. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۲(۱)، ۶۹-۹۸.
- رهبر، زینب. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر عوامل تاخیر در سن ازدواج دختران تحصیل‌کرده و شاغل بر نگرش آنها نسبت به همسان همسری در دستگاههای اجرایی استان سمنان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی.
- زارع، بیژن؛ سراج‌زاده، سیدحسین؛ حبیب‌پورگنتابی، کرم؛ و مداحی، جوادی. (۱۳۹۹). زیست مجردی جوانان: مسئله‌ای اجتماعی-فرهنگی (رویکردی تحلیلی مبتنی بر آرای ژان بودریار و ریچارد سینت). *مسائل اجتماعی ایران*، ۲۸(۱۱)، ۹۷-۱۲۴.
- سرای، حسن؛ و اوچاقلو، سجاد. (۱۳۹۲). مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران (مطالعه موردی: زنان شهر زنجان). *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۵(۴)، ۱۹-۴۲.
- شکوری، اعظم؛ نقدی، اسدالله؛ امامعلی‌زاده، حسین؛ و رحیمی، زهرا. (۱۳۹۷). عوامل موثر بر عدم تمایل به ازدواج در بین کارکنان مجرد ادارات شهرستان همدان. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۷(۴۱)، ۴۹-۷۲.
- شهانواز، سارا؛ و اعظم‌زاده، منصوره. (۱۳۹۷). فراترکیب مطالعات مجرد در ایران. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۶(۴)، ۴۳-۷۸.
- قانع عزآبادی، فرزانه؛ کیانپور، مسعود؛ و قاسمی، وحید. (۱۳۹۲). تجارب زیسته دختران ۳۰ سال به بالا در زمینه داغ‌نگ ناشی از مجرد (مورد مطالعه: شهرهای اصفهان و یزد). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۴(۲)، ۳۰۵-۳۳۱.
- کرسول، جان. (۱۴۰۰). پویای کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد: روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی. (حسن دانائی فرد و سیدحسین کاظمی، مترجمان). صفار، اشراقی.
- کریمی آکندی، سیدجابر. (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر تاخیر در سن ازدواج دختران ۳۹-۲۵ ساله شهرستان ساری در سال ۱۳۹۰ (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی.
- کلاته‌ساداتی، احمد؛ حجازی، حمید؛ و مرادی‌نژاد، الهام. (۱۳۹۸). رابطه‌ی بین دین‌داری و رفتار پرخطر در زندگی مجردی؛ مطالعه‌ی پیمایشی زنان شهر یزد ۱۳۹۷. *زن در توسعه و سیاست*، ۶۳(۱۷)، ۲۷-۴۲.
- گافمن، اروینگ. (۱۳۹۶). *داغ‌نگ: چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده*. (مسعود کیانپور، مترجم). نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۹). *پیامدهای مدرنیت*. (محسن ثلاثی، مترجم). نشر مرکز.
- مجدالدین، اکبر. (۱۳۸۶). بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان. *پژوهشنامه ادبیات و علوم انسانی*، ۵۳(۵۳)، ۳۷۵-۳۸۶.

محبزادگان، یوسف؛ پرداختچی، محمدحسن؛ قهرمانی، محمد؛ و فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۲). تدوین الگویی برای بالندگی اعضای هیئت علمی با رویکرد مبتنی بر نظریه ی داده بنیاد. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۷۰(۱۹)، ۱-۲۵.

محمدپور، علی؛ و تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۹۲). عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج جوانان. مطالعات جامعه شناسی، ۲۰(۵)، ۵۴-۳۹.

مرادی، گلرادی؛ و صفاریان، محسن. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). مطالعات جامعه شناختی جوانان، ۷(۳)، ۸۱-۱۰۸.

مهدوی، محمدصادق؛ کلدی، علیرضا؛ و جمند، بهاره. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بی رغبتی جوانان شهری به ازدواج (مورد مطالعه: شهر تهران). مطالعات جامعه شناختی شهری، ۶(۱۹)، ۳۳-۶۰.

مهرابی، امیر؛ خنیفر، حسین؛ امیری، علی؛ زارعی متین، حسن؛ و جندقی، غلامرضا. (۱۳۹۰). معرفی روش شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه). مجله علمی «مدیریت فرهنگ سازمانی»، ۹(۲۳)، ۵-۳۰.

موسائی، میثم؛ و فندرسی، لیلاالسادات. (۱۳۹۵). تأثیر سرمایه اقتصادی بر وضعیت تأهل (مطالعه موردی: شهر بهشهر). زن در فرهنگ و هنر، ۲۱(۸)، ۲۴۹-۲۶۴.

نوروزی، خلیل؛ باقری کنی، مصباح‌الهدی؛ آزادی احمدآبادی، جواد؛ و نوروزی، محمد. (۱۳۹۱). ارتقای قابلیت‌های پویا در دانشکده های مدیریت جمهوری اسلامی ایران - مورد مطالعه: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق - ع. مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۳(۱)، ۴۴۶-۴۲۳.

نیکخواه، هدایت‌الله؛ فانی، مریم؛ و اصغرپورماسوله، احمدرضا. (۱۳۹۶). سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن. جامعه شناسی کاربردی، ۶۷(۲۸)، ۹۹-۱۲۲.

هزارجریبی، جعفر؛ و آستین‌فشان، پروانه. (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته ۸۵-۵۵. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱(۱)، ۱۳-۳۲.

Dhamija, Gaurav; & Roychowdhury, Punarjit. (۲۰۲۰). Age at marriage and women's labour market outcomes in India. *Journal of International Development*, ۳۲(۳), ۳۴۲-۳۷۴.

Gebel, Michael; & Heyne, Stefanie. (۲۰۱۶). Delayed transitions in times of increasing uncertainty: School-to-work transition and the delay of first marriage in Jordan. *Research in Social Stratification and Mobility*, ۶۱, ۶۱-۷۲.

Goulding, Christina. (۲۰۰۹). Grounded theory perspectives in organizational research. *The SAGE handbook of organizational research methods*, ۳۸۱-۳۹۴.

Hippen, Kaitlin A. (۲۰۱۶). Attitudes toward marriage and long-term relationships across emerging adulthood.

Inhorn, Marcia C; & Smith-Hefner, Nancy J. (۲۰۲۲). *Waithood: Gender, education, and global delays in marriage and childbearing*. Berghahn Books.

Jones, Gavin. (۲۰۱۲). Late marriage and low fertility in Singapore: The limits of policy. *The Japanese Journal of Population*, ۱۰(۱), ۸۹-۱۰۱.

Lee, Bun Song; Klein, Jennifer; Wohar, Mark; & Kim, Sangsin. (۲۰۲۱). Factors delaying marriage in Korea: an analysis of the Korean population census data for ۱۹۹۰-۲۰۱۰. *Asian Population Studies*, ۱۷(۱), ۷۱-۹۳.

Maubrigades, Silvana. (۲۰۱۵). Connections between womens age at marriage and social and economic development. *Documentos de Trabajo On Line/FCS-PHES*; ۳۹.